

فرہنگ واثرہائی محلی اسفندآباد

جلد اول



محمد آقا مصطفی

تہران - مرداد ماہ 1359

فرهنگ واژه های محلی اسفند آباد
(جلد اول)

محمد آقامقی - تهران - مرداد ۱۳۵۹

تقدیم به درستان ارجمند عزیزم آقای خانم

۱۱.۱۱.۵۹

به نهایت خوشحالی کاری را که ۳۰ سال قبل می خواستم انجام دهم به شما محول شد و مسخرت
آغاز می گشاید. البته ۲۰ سال قبل در بار ارتباطات بی شرف نگاره بود و من در صدد بودم مجموعه را بصورت
کتاب چاپ کنم ولی هر وقت که تصمیم می گرفتم تلفات جدید و زیادهای پیدا میکردم و با افزودن
آنها به واژه بار قبل و تکمیل تر شدن آن محل چاپ به حال بعد و بعد بعد موقوف میشد اما اینکه
میدیده شگرت اینترنیت از راه رسید و خوشحال شدم که با چاپ بسیار آسان تر میشود و بجای
چاپ میتوان کار کرد سایت یا حداقل یک وبلاگ گزینست تا اینکه به مولات بی شرف علم و
تکنیک و فن آوری این بهر علاقه مند تر و جوان تر بنام آقای خانم رفاهی پیدا شدند که با
پیش دستی کار مرا راحت کردند و من از ایشان که از اقوام و همسر خدمت هسته به نهایت سپاسگزارم
و از هم اکنون آمارگی همکاران خودم را اعلام میکنم که گوشه ای از کار خیر ایشان را به عهده بگیرم و
بخش قسمتی فرهنگ لغات و اصطلاحات را همراهی تکمیل کنم و مسؤول این قسمت باشم.
بقول بچه ها آخه ما سلامتی من اولین اسفند آبادی بودم که ۳۷ سال پیش میرزا انام لب میرزا از شاه تهران
باز در صدد فوق لب میرزا در دولت شاهنشاهی به پایتخت آمدیم و از شاه قاجار جویبار شادمان
و استگتن DC در رسته صند من کامپیوتر فوق لب میرزا گرفتم و برای آن زمانها رسته محصلی داشتگاهی
کامپیوتر در ایران نبود. در هر صورت باز هم سپاسگزارم از اینکه زحمات مرا کمتر کرد و در صورت
لزوم گفتن نمود ایمل خود را در صفت آخر نوشته ام که یا سنده نامر گیرید و در ضمن ترغیب باشید - ارادته خدای تعالی

توجه: این نسخه نهایی نیست و در حال ادیت و تصحیح میباشد. لطفاً در این امر مساعدت فرموده و نظرات
خود را بوسیله تلفن یا ایمل به اینجانب ارسال دارید. با تشکر د. م. آ. مقیمی ۴۰ اردیبهشت ۱۳۸۰

تلفظ انگلیسی

معنی و تلفظ در فارسی

کلمه و عبارت

ABMAH	آبماه = آب ماه
ATISH TAVOUR	آتش تانور = آتش مخصوص تانور مگر با سفالین با هم نرم
ATISH GOW	آتش گو = میله فلزی بران جابجا کردن آتش در تانور
Ejbari	اجباری = وقتی به سر باری
Akhlat	اخلط = خلط سینه در اثر سرما
Aderoo	آدرو = بیماری سرخک
Adam Khoonameune	آدم خونموته = همان دارم
Arasht	آراشت = آرایش
Arte sian	آرت سین = آرت سینک
Ardok	آردک = نوعی نخ کوب زخم جفت و دوزخ
Orsi	آرسی = کفش
Arez shodan	آرزو شدن = شکایت کردن به اداره امنیه یا مقام بالاتر
Ejnd	اژند = لایروبی فحاشات
OSABAS	اس عباس = است عباس
os Ghodocs	اس و دوس = نوعی گیاه دارویی مگر که مثل چای دم میکنند
os Narsello	اس نرس اله = است نرس اله
Esbak	اسبک = پتو مخ در جفت یا سر کبر سبک
osbol	اسبول = دانه و غده داخل بدن
Esbenbad	اسب بن باد = اسفند آبار
Azzat	آزات = محکم و زلفت
Esmesh Dar	اسمش در او مده = زبان خدمت نظام و کفایت اس در سر برده
Assoke chakh	اسوکی چخ = پیچ و محکم گرفته که نور روک چخ ریس من بسته
Assoki	اسوکی = براسکی
ASooneh Dar	اسونده در = در چوب در
Asseh	اسه = هسته
ESSi	اسی = وسیله نخ ریس دستی
ASiouhoun	اسیو بون = آسیاب
Asiou	اسیو = آسیاب
Edareh - Amnieh	اداره امنیه = پاسگاه زندان در
Edareh - Torogh	اداره طرق = وزارت راه و ترابری

Ash Polou	آش پلو - پنج میختم و دم کشید
Ash Alam	آش علم - نوعی آش که با ارزن معمولی درست میشود
Ash Gal	آش غال - نوعی آش که با ارزن بزرگ درست میشود
Eshlaish	اشلبیش - شیش
Esh kam dar	اشکم دار - حامله
Eshgafte gou	اشگفته گو - حلی در کوهستان را با سنگ دراز میگویند در زمان کرد
Eshgelak	اشگلک - نوعی تنبیه کودکان است
Eshmal	اشمال - مرمت قنات آب
oshno u	اوشنو - نوعی گریه بزرگ کننده که برای شستشوی لباس بکار میرسد
otagh Tanabi	اطاق تندی - اطاق کوچک در رستوران
otagh Roagh	اطاق رو اق - اطاق بزرگتری که معمولا در وسط قرار دارد
Aftoueh	افتاوه - آفتاب
Aftou	افتو - آفتاب
Aftou Kourou	افتو کورو - غروب آفتاب
Aftouei	افتوئی - کشش قرز - مویز
oftid	افتید - افتاد
AK	اک - آواره رها
AKoleh	اکله - بیمار آکنه
Alhamok	الحمک - زمان که صاحب به اندازه خواندن سوره حمد
Alakhtari	الاکتری - نوعی بازی پیرانه که روی یک پامپه ویدند و با هم تنه می زنند و بازی را می کنند
AlKholagh	الخلاق - نوعی پوشش رویشی که میبندند که گاه
oLoshk	الوشک - نوعی علف خوش خوراک که گوسفند
Alam shangeh	الام شنگه - مسخره باری
Amorzi Pedarod	امری پدروت - خرابی در راه یا نرزد
Em roo	امرو - امروز
Emsho Rounagh dadan	امشور و نو دادن - امشب عذارت کرده اند و تنه می زنند و بازی می کنند
Amoo	امو - محو
Anbadeh	انباده - آوار حاصل از خرابی در راه
Arreh Chaghoo	اره چاقو - نوعی چاقو که در ایام پیرانی و تنه آکن آره آن بردارند و بازی می کنند
ALgholi	الغلی - غلی

Andoo	آندو	مکن اندو کردن بسیار
Angol	آنگول	بیدار دادن با ناخن
Angoor Tooreh	آنگور تورده	نوعی گیاه دارویی بنام تاجری
Angoor Rish baou	آنگور ریش بارو	نوعی انگور شیرین بنام ریش بابا
Angoor Mesghali	آنگور متقالی	نوعی انگور درخت گرد
Aou	آو	آب
Aou Tolok	اوتلک	آب نمبر
Aou Jooshok	اوجوشک	نوعی غذای سرپزاده
Aou Delau	اودلو	آب دمان و غذای ارزانه
Aozar Kar	اوز ارکار	ابزار کار
Aou shiooh	اوشیون	آب نزع میوه
Aou Getenou	اوتندو	نوعی غذای ساه با تخم مرغ و روغن
oulouchok	اولوچی	آکرچ
BadafT	بادافت	خاکری سیم باد آورده
Badbadouok	بادبادووی	بادکنک
Badosh Migireh	باداش میگیره	بادش میگیره هوالی بره
BadanJoo	بادانجو	بادجان
Bar Joogh	بارجوو	بار صفت نوعی داروی گیاهی
Bakideh?	باکیده	آیا ممکن دارد
Balkhooneh	بالخونه	اطلاق طبع بالا
Baou	باوو	بابا
Befl Zoon	بفلزون	زودن مریخ کنگه پوسه آتش
Befeim	بفیم	اندازه کنگه پوسه
Botteh sag shash	گفته سگ شاش	نوعی برنج خاربامانی
Bakhteh	بخته	احتمال - گوسفند افته بره
Bokh choh Hammam	بخچه حمام	بخچه حمام که حاوی استیل حمام و آب است
Bakhi	بخ	برخیز - بلند شو
Alirzo	علیرزو	علیرزو
Pishau	پیشو	پیشو - شب - ادار
Ashrafi	اشرفی	اشرفی - کمال

Barat Kerdan	بَرَات کردن حواله کردن
Barati	بَرَاتی نان کوبیدن در آتش که بپزد و چینی بپزند و بر آتش در گان خیرات میدهند
Bar Bare gou	بَر بَره و اصطلاحی بر آتش کردن مردم که بر آتش گاو گشته اند
Barjin	بَر چین وسیله ای بر آتش که بپزد و گندم و جو
Borzooeh	بَر زوده بر نه بپزند که تازه از زمین گندم باشند
Bargo	بَر گو دیواره که کامی از جو آب یا گرت بر آتش که آب
Berreh	بَر ره طوطی که از علف و آتش که با داس بریده میشود
Boridanosh	بَریدنش آتش ختنه کرده اند
Barlak-Bazi	بَر لاک بازی نوعی بازی با ۵ عدد یک نیم و درشت مانند بازی که
Boze-se-zeh	بَر سه زه بر که سه بار از آتش باشد
Beskoot	بِسکوت بیکوت
Bashn	بَشَن بدن
Bakok	بَکوک عمل بارت بر آتش که بپزد و گندم
Bal	بَل گندم های بزرگ
Bolghoor	بُلغور - بلغور و حوره حوره گندم برای بخت آتش
Balk	بَلک برگ
Balke Khazoon	بَلک خزون برگ خزان
Balan sheik	بَلان شیک بلند گوید بر خیزند
Belleh	بَله بگزار
Baleiti	بَلیتی و لگد
Benj	بَنج زنبور که بپزد و زرد رنگ
Bonge Shoom	بَنگ شوم زمان غروب آفتاب
Bokhershoon	بُوخورشون فشرده و آتش که بپزد و خشن
Bokhoome ghanat	بُوخوم قنات محل ترشح آتش که قنات از چاه اول در کوهستان
Bowz	بوز زنبور بزرگ قرمز
Boosoun	بوسون بلیه
Boekou-o-Berou	بُوکو و بُو در باری تر و بلیه باری
Khish-Kerdan	خیش کردن شکستن
Zardeh Shoom	زرد شوم زمان غروب آفتاب
Shoom	شوم شوم
Borokhsh	بَرخشش شات و درختان و منور

Bi-are-dard	بی آر دورد	بی عار و شیل
Bi Nesbat	بی نسبت	بلا نسبت
Bis dalam	بیس دارم	حزنی معادل بی مقال معادل ۱۸۷۵ گم
Binok	بینک	دک رسیده تا بیدار نخ که کلاف در آن می آید افتد
Biei-Birim	بی بی بیریم	بیایم
Paba Konoun	پا با کنون	پاگاه کنون یا گشتا کردن - همانی کردن و در باران ادا کردن
Pardom	پار دم	مستی از پلان الاغ که دم الاغ را گم می آید
Pasobok	پاسوبک	نراشیدن
Pakandeh	پاکنده	راه پله ها دار که به قنات آب (در تزل) منتهی می شود
Pam ghoal neshest	پام غول نشست	پام غول نشست یا پیم رفت تو گیل
Pam ghodou shod	پام غودو شد	پام غودو شد یا پیم سوخت
Pa nagiri	پانذیری	بزرگ نسوز (دری نسوز) بار بچه ها
Pateh	پته	در سطح نسوز کوبک
Pati	پتی	برهنه
Pereshneh	پر شده	عطسه کردن
Par shou	پر شو	سیر نش
Parkom neshess	پر کم نشس	عکس العمل شخص در برابر مهربانی آب در گلو
Pareh	پره	رسیده ای بار تا بیدار نخ
Pare-la	پره لا	عمل بار تا بیدار کردن خوشه ها خشک کنیم در خرس
Pess	پس	گرفته است خشک و در چوب و بارام (مخون)
Pas sari	پس سری	روز بعد از پس فردا
Pas nimeh	پس نیمه	وا تر چوبی که در او کجی رخس نیست نخ می کشند
Pasin	پسین	بعد از ظهر - عصر
Euok	دووی	زنگیل
Peshanjeh-AaU	پشندجه او	بر باب قطرات آب در چوب
Peshanjeh	پشندجه	(گلم در آن آب)
Pekk	پی	بلند کردن جفت یا باریعت زیاد از زمین
Pelteh	پلته	فیل
PokKidan	پکیدن = سر کیدن	
Sabo	سبو =	فردا

Pelakkoun	پلکون	پله‌های زربان یا سخنان
Porseh	پیرسه	پیرسه = چل ختم
Panjeh-Eid	پانجه عید	ماهیله عید از قبل از عید نامت عید
Pozeh-siah	پوزی سیاه	ماهیله در گوشه کوه سیاه رنگ چینه لکتر جنوب غربی رفته آبار
Poos-Bel-dadeh	پوس بل داده	پوست ول داده
Pey-roo	پیرو	پیر و فر - روز قبل از روز
Piazoo	پیازو	پیاز چه خشک شده
Piran Kash	پیرن کش	زیر پیراهن
Pirisok	پیریسوک	پیرستر
Pizori	پیزری	قلم نی - قلم درست
Pishgo	پیشگو	مسافر طبقه دوم ساختمان
Pilarsal	پیلارسال	رو سال پیش - در سال قبل
Pil-chotteh-Bazi	پیل چفته بازی	نوع بازی بنام الک و الک
Ta-shou	تاشو	رد شو
Talamo-Bigir	تالمو بیگیر	قال در انگیز
Taleh-Koudou	تاله کودو	برگوان بزرگ کدو قبل و بعد از آن در زمین
Tappo	تپو	جای نگهداری گنیم و جودر خوانده از جنس گل رس
Takhte-Boon	تخت بون	محل مسطح پشت پام برابر خوابیدن
Takhte-Pelteh-kon	تخت پلته کن	تخته صاف و پام دار برابر فستق کردن پنبه برای رسیدن
Takhte-Namat	تخت نامت	فرش نمزی
Torshake-Jou	تورشک جو	نوع بازی ایران در شب
Tarke-Bazi	ترکه بازی	چوب بازی در اسم عروسی
Tarkeh	ترکه	چوب باریک و نرم و تان
Tazbi	تازی	تسبیح
Tagho	تاگو	پله و سکودر جلوی در خانه که در آن می نشینند و صحبت میکنند
Telke-Bandi	تلک بندی	مثل و ول
Telengak	تلنگاک	تلنگور - صدای صریحی سرور یا آهنگست
Zamin Kandan	زمین کندن	نوع بازی که در آن گل و خاک در زیر بایلی حرکت افتاده کردن زمین را میگویند

Tambak	دُمبک	عرب یا تمبک
Tombid	دُمبید	فرورخت
Tonekeh	دُنکده	سُرَت زیر پوش
Tange-khar	دُنک، خر	نبردنی که با لالان الاغ را محکم در است و از زیر محکم آن رد می‌شد
Tengez	دُنگز	نوعی درخت کرمی
Toupichok	دُوپیک	سیخ و تخم راه رفتی
Toota-chishoi-shodeh	دُوتا چیشی شده	کرتا که با سبزه و سفید شده است - دُت تاش
Toode-Pashme-lakoo	دُوتا پشمه لکو	نوعی دُت سفید که دارای پیر است
Toote-Dombhe ei	دُوتا دهله ای	نوعی دُت سفید نسبتاً بلند
Toote-Rou-Aou	دُوتا رو او	کرتی که از دُت روی آب روان جوی می‌گذرد و سیخ رد می‌شود - دُت زغال کربانه
Toode-Ham-Koufteh	دُوتا هم کو فته	دُت خشک کوفته شده و مخلوط
Toudasseh	دُودسه	نوعی تابه که آهنی بزرگ و گرد جابر برداشتی آتش
Toureh-Bondeh	دُورده برده	نوعی میخ یا خنجر یا شغال ببرد
Tooshdoon	دُوشدوون	نوعی ساک از جنس نخ یا حصه که بافته می‌شد
Tamoon	دُهمون	تنبان
Tippo	دُپیو	تنبیا - لگد
Tir-kash	دُیر کش	سراج مخصوص لوله تنگ جهت تیر اندازی از آن تیر انداز می‌برد و منظور دماغ
Tire-Nagemoon	دُیر ناگمون	تیر ناگمونی که معلوم باشد از کجا رها شده
Tifoon	دُیفون	طوفان
Jar	جار	صهارزن بلند
Jal	جال	جاهل
Jal-mamad	جال ممد	اسم مردانه (جاهل محترم)
Jargheh	جَرَفه	نوعی هیزم یا ذغال بزرگ که از آتش می‌گرفت
Jezzi	جَزّی	جهاز
Tar dadan	تار دادان	تار دادن - رم دادن - تیر دادن پرنده
Tonok	تَنف	خدا جدا و کم است
Jal-jal	چَل چَل	صدا خشن خشن چیزی
Jalt	چَلت	چلت - سبزه
Tooreh	توره	شغال
Sadekh	صادخ	صادق
Jigar-sifidi	جیگر سفیدی	جگر سفید - شش - ریه
Jigar-siahi	جیگر سیاهی	جگر سیاه - کبد
Hasanok-o-Hoseinok	حسن و حسینک	خوش گوشت - خای نزدیک و دور گوشت

Jalleh-shotor	جله شتر	سوغ شتر
Jamshir	جمشیر	جمشیر
Joodou-Arjin	جودوار چین	صغ چینه که از رخت ارچین که در دست نماند
Joodou	جودو	صغ چینه که از رخت بادام یا زرد آلو تراوش میکند
Jou-siah	جوسیه	اسم نوعی بازی شبیه شترنا بازی
Jough	جوق	جوق آب
Jough-Dar-Jough	جوق در جوق	راه راه - مار پیچ
Joughan	جوقر	هاون
Joon	جون	زینا
Joonamynarg	جونمرد	جولگر
Joual	جووال	گونی بزرگ
Jadi-Ahmad	جادی احمد	نام سز عمیره در اسفند آبار
Jei-galeh-eiz	جی گله ای	جای صغ شون طم گرفته - خطی معروف به نام در اسفند آبار
Jim	جیم	نوعی باجه نخی مثلکی ضخیم
char-choogh	چار جوق	چار چوب در
Charghat	چارقت	دور چار چوبی بزرگ که بجان گزین از سوزن خطی استفاده میکرد
Char-medour	چارمدور	چار دور اطراف چیزی
chareh	چاره	وسله ای برای بقال به منظور راستی جنس از گونی
chalneh	چالنه	سوا خردگی شده و نخ زدن
zir-joomeh	زیر جومه	لباس زیر زنانه
chabosh	چبش	نوعی بویا گرفته شتر
chekh	چخ	صدائی برای دور کردن گ
cheraghe Badi	چراغ بادی	چراغ نفتی که در آن رفت و آمد شب با معرفت و سیر در راه میگرد
cheraghe-Khorak	چراغ خور ای جز	چراغ نفتی مخصوص بخت غذا مثل سیر و سیر یا آلود
cheraghe-Difal	چراغ دیفال کویی	چراغ نفتی که برای روشنایی اطراف به دیوارها آویخته
-Kouei		
cheraghe-gersooz	چراغ گرسوز	چراغ نفتی که فتنه انگیز بود
	چرخ کن	یکه با چرخ چوبی مخصوص بیند دانه را از بیند حاصل کرد (این چرخ دارای دنده گرا آهنی بود که بیند از درختان گردیده و دانه بیند را جدا میکرد)
charkhoi-Kon		
Chesh Be To	چش به تو؟	بتوجه؟ بتوجه مربوطه؟

Chozeh	دشمن یا بیخیزان شده	چزه
Chof-rizeh	نوعی که در رب را به بالا چکانند	چف ریزه
chofte-Gheibi	دکمه یا بلیزهای فلزی زینواره	چفت غیبی
chofteh-Panbeh	گیره بزرگ پیچیده شده پنبه	چفته پنبه
Choghali	علک یا ستر	چغلی
chel-Too	خارالان شکسته که بختند	چلتو
chemri	حفاظ پنبه ای چنان نفی که بر سر زنی یا ستر چنان با زدن و در رفتن امکنند	چمری
sedagh	صدا	چدال
changal	نوعی کلاه و پنبه که با آن در سمن و شیره انگور و ارده درست میکنند	چنگال
changale-Malideh	چنگال مالیده اشاره به سنجها که با ملاقات توسط کسی دیگر است	چنگال مالیده
cheng	شوک خروس یا چنده	چنگ
chodorbo	نوعی راز و گنج	چودوربو
choogh	چوب	چوق
choeghat	چوب خط - چوبی که روی آن با یکدیگر شکاف بریزند تا سوار و سواران را	چوقت
choeghoor	گنجشک	چوقور
choeghoofake-Ashi-Mashi	گنجشک بازاری که در صف بازار آنه میگرد	چوقورک اشو مشی
chish-ekel-dou	دست پاچه	چیش دلدو
chish-sifid	یک زندم کوس دندر	چیش سفید
chish-gerneh	دسته هم نامت که خطی زرد آتش میزند و با آن در تن و بدن را میزدند	چیش گرده
chish-Mirisoou	بازی قایم مرشک	چیش میریسو
cheeedam	چاشنم - سبک خوردم	چیددم
Hal-nadar	بیمار - سیریل	حال ندار
Halo-Boppa	حالا خوب دنت کن	حالا و بپا
Kasseh-cheragh	جدا شده از آتشی که بر آتش روشن کرد و در آن آتش را میزدند	کاسه چراغ
chish	چیش = چاشنم	
Medenge Angoor	مینگ انگور = انگور خوشه انگور که بدون انگور است	مینگ انگور
charado-daram	چار دو دارم = میدانم یا تو چکار کنی - چاره کار تو دارم - برات رسیدگی میکنم	چار دو دارم
choft	رک	چفت

Alibar	علی بار
Hashvar	خشوار
Hesar	حصار
Hakkal	حکال
Hal-go	حل گاه
Hal-am-Hashoor	حل محل
Houze-Kaleh	حوض کله
Khare-jenjengou	خار چنچندو
Khare-Kheskak	خار خشک
Khareshmoon	خارش مو
Khashki	خاشکی
Khakishtar	خاکبستر
Khambaz	خام باز
Khai-narmok	خای نرمک

Khoda-moshti-margot-Bedad	خدا امشتی مرشدیده
Khedrobad	خدر باد
Khar-poshteh	خار پشته
Kheraf	خرف
Khasbak	خسبک

Khalat	خلات
KhafTok	خفتک
Khale-Atish	خل آتش
Khelo	خلو
Khaljineh	خلجینه
Khonoki	خونکی
Khou	خو
Kho	خو

Dal = حال = شاهین - عقاب
Khooroum = خوروم = خرفت و کردن و مات و لاج

Khoreimoon

Khoomeh = خوریمون = بیمار و خور
خومه = رسته نازک و پشم یا کرک که برای رسیدن درخت به نخ آویخته شود

Khoun-Tamā

Khoun-nokhash = خون طمع = طعمکار

Khoun-nokhash

Khoun-nokhash = خون و خاش = خواب به

Khian-Beleng

Khian-Beleng = خیانت و بلندگی = خیانت

Khian

Khian-zar

Khian-zar = خیانت زار = مرز و خیزه

Daradi

Daradi = داردی = قبری یا فرزند؟ در چشم اسفند آخر سال بچای از کمال کمال - 40 -

Nadarad

Nadarad = ندارد = حرف کجک

Dassoun

Dassoun = داسون = شکل - اشغال

Daseh

Daseh = داسه = رسیدن و بارشیدن علف

Daloon

Daloon = دالون = داران خانه

Mousame-Jafas

Mousame-Jafas = موسم جعفر و مریض جعفر

Dokhok

Dokhok = دکوک = دفتر

Dadar

Dadar = دادر = پدر یا سرور

Dadeh

Dadeh = دده = خواهر

Dagh

Dagh = دق = سخت و حکم

Dardandoon

Dardandoon = درد دون = ملال

Dar-o-donbal

Dar-o-donbal = در و دونبل = پایش اطاق و پایش اجاق

Dojbal

Dojbal = دوجبال = عده رست داخل بدن

Das-Panjadoon-Marizo

Das-Panjadoon-Marizo = دس پنجدون مریز و دس پنجم داردند

Das-Namaz

Das-Namaz = دس نماز و جعفر

Passak

Passak = دسک = دس و جعفر

Darad

Darad = دارد = قبل شدن

Nadarad

Nadarad = ندارد = فرزند شدن

Dasanbae	دَسَنبُو نزعی طالبی خوشبو
Deshlamah-Ghand	دَشَلَمَه قند حبّه قند
Dalam-Ham-Neshesseh	دَلَم هم نشسته دلم هم خورده
Dalleh	دَلّه بیت
Dom-Kol	دُم کُل بی دم- دم برید
Dom-baouz	دُمبوز دُم آویز- دُماله رو
Deng	دَنگ محکم و لغت
Do-Dasseh	دودسه غم سالی بزرگ برای نگداری طرانی آس در دست برد
DowDowok	دودووک دود خضر که سیرنج
Douragh	دوراق نوعی مرغ ترش که در خیطهای بزرگ نگداری میگردد
Dowri	دوری بشقاب
Doushab	دوشاب سیره انگور
Dookoun	دوکون مغازه
Doule-ow	دول او دلو آب
Doule-ghand	دول قند کبک پاشی برای نگداری قند خورده
Doomat	دومات داماد
Dooneh	دونه غده بر روی کین ارباب
Nah-Ashoord	ده عاشورا روز عاشورا محترم
Difal	دیفال دیوار
Deilagh	دیلاق گوسفندی که بزرگویرت- دُبر بزرگویر
zerat-Makkeh	ذرت مکّه بلال
Raboon	رابون بله ای فتن بیت نام
Ra-Nimrah	رانیمرا رست راه
Roppok	رُپک مار مریک
Recheh	رچه راه کُریک که توسط غنّت و انگور نیاز حیوانات
Rokhieh	رخیه رختیه- نام زمان
Resboon	رسبون رستبان
Doushab-pazi	دوشاب پزی لارخانه تیره سیره انگور

Reshneh	رشته
Rom	رُم
Range-poos-Anari	رنگ، پیوس اناری رنگ زرد درختی
Renge-Charkh	رنگ، چرخ
Reb	رب
Range-nim-Abi	رنگ، نیم آبی رنگ آسمانی
Rang-o-Rasht	رنگ، ورشته رنگ کمر در طلاهای نخی و چرمی
Rooghan-Cheragh	روغن چراغ روغن که قدیم بجای نفت در چراغ می ریختند و چراغ روشن میشد
Rooghan-Khash	روغن خاش روغن کوفته خالص
Rizdar	ریزدار نوعی سوپ آش
Risheh-Mahk	ریشه محک ریشه نگاه داشتن بیان که استقامت طبیعت دارد
Ze Zamoon	ززامون زایمان کردن
Zolfo-do-Kafan-Kerdam	زلفود و کفن کردم نوعی قسم خوردن مردانه یعنی زلفهای تو را در کفن گذاشتم - یعنی تو کفین
Zan-o-Zonbal	زن و زنبیل عیال و زن و کعبه
Sabat	سبات کوچه سق در که شبیه بازار بود
Zirou-Zanjil	زیر و زنجیل نوعی بازی است همین طوطی
Sazou	سازو نوعی طناب از جنس کف
Sasi	ساسی
Zoolou	زولر = زالو
Sabo	سابو
Sabood	سابود کوزه
Sejelt	سجالت شانه
Sodak	سداک غریک بارشده میوه
Sar-landi	سرلندی سرالاش
Sarrat	سرت نقیب کردن یا سر زدن
Sare-Tel-Khaki	سرتل خاکی محل آغوش در اسفند آلود که قدیم بصورت تن خاکی بوده و امروز شبیه میرانی است
SarTou	سرتو سراب

Sar Joogh	سر جوق = لب خرنات
Solzun-zadan	سوزن زدن = آبیول تر زدن کردن
sar-sommok	سر سمک = روس دوک یا نشتی
sarsokukhteh	سر سوخته = سوخته نانها از چوب و کدو ارجحت
sarshi	سرشی = سر از برین
sorfeh-arti	سرفه ارتی = سرفه آری که در آن از ن میخندند و سرفه کردن
Sarom-Tow-mikhoreh	سرم تو میخوره = سرم گیمه
Sar Ghadam	سر قدم = کار کردن مزاج شخص به اسم اگر رفتن
Soghalmeh	سقلمه = دست گره گره
sol	سل = تر شحات غلظت بینی
Salatoon	سلاطون = سلطان
solfeh-siah	سلفه سیاه = سرفه یا سخت و طاری عبادار
Som-Torash	سم توراش = سمی که در آب قند و شیر و روغن دار برای ترش کردن
Som-cheraghi	سم چراغی = سمی که در آن سم الاغ سوزانند یا در الاغ
Fatello	فتلو = فتح اله
Semend	سمند = سیان
Sang-pore-maki	سنگ پور ملک = سنگی که در آب و سبزی و میوه و برادر و سبزی و میوه و برادر
sange-chal-chal-machala	سنگ چال چال مچالا = سنگی که در آب و سبزی و میوه و برادر و سبزی و میوه و برادر
sofayeh	سویایه = سه پایه
soucheh	سوجه = طرف کنگ سابی
Soudoumom zad	سودوموم زاد = سب و لوز در آب و سبزی و میوه و برادر
soori	سوری = واسه یک نوعی خواندن آوازانه یا بر سر آواز و سبزی و میوه و برادر
Soozan Tamineh	سوزن تمینه = سوزن لحاف دوز
soolakh	سولاخ = سوراخ
salaroke-sar-khiarzar	سولرک سرخیارزار = سولرک
Solenjoon-o-gholenjoon	سولنجون و قولنجون = سولنجون و قولنجون
Tir-Kamoone-Rosam	تیر کامون رستم = تیر کون رستم

سولوفات سولوفات روی که بر این در زمان تراخ از چشم سوار بخشنه در سواران
Soolefat Soon سون سرباز شونده

se-shalkheh سه شالکده سه شالکده

se-no-fad سه نه فد سه تا ۹ فد یعنی زمان لازم برای آبپاشی ۳ مهر آب - مدت ۱۸ ساعت

sia-be-siahi سیاه به سیاهی در اشک کسی را تعبیر کردن

sikhor سیخور خار چیت

siraw سیرو سیرابی گریخته یا گاو

sise-khormo سیس خورمو ظرف کف که معمولا از برف درختان خرماسیدنی بافتند و در آن خرمای تازه بخشنه

sifal سیفال سال - ساقه فروخته خفته، بگنیم

seifi سیفی سیره زمستانی

sifidal سیفیدال سیدار (درخت بلند)

sile-shotor سیل شتر نمک سر قوطی شتران رفتی

sim-nema سیم نما سینا

shashosh-kaf-kerdeh شاشش کف کرده معمولا کم کسی که گوشت که بین فرجه های سینه در دست از درازا بر آید

shalaki شالکی ظرفی بافتنی چوبی که در بزرگ بار حمل علف از زمین به تری

shabash شباش سار دانی لقی -

shabandeh-rooz شبنده روز شبانه روز

shabi شبی شبیه - تفریح خورانی

shotor-khoon شتر خون محل شکار یا شتر

shat-fi شتفی سیره تابستانی

shesh-daram شش درم ترزنی سارل که سقال سارل ۴ گرم

shoftak شفتک عملی صیادار یا رودست برابرند همین به کسی

shekam-ravesh شکم روش اسهال

sholaghoon شلاقون شل و گل

shalam-shoorbo شلام شوربو بهیم بخشنه و سلق

shamal شمال سار و شمشاد

shamali شور - نوعی گیاه بیابانی که بصورت بوته سبز زردی است و خوراکی است و شور دارد

shooreh شور دریا است سوار خند و بوزانی بهت میاید

shambedereh	شمبره (شبهه)	شمبره
shomleh	شمه	شمه
shengeleh	شنگله	شنگله
showparok	شو پرک	شو پرک
show	شو	شو
show-Tarki	شو تارکی	شو تارکی
shoorbo	شور بو	شور بو
shoorshoorok	شور شورک	شور شورک
sheneh-sar	شونه سر	شونه سر
shikh-mamad	شیخ محمد	شیخ محمد
shir-aouz	شیر اووز	شیر اووز
shir-paleh	شیر پاله	شیر پاله
shir-gir	شیر گیر	شیر گیر
shireh-Arbeh	شیره اربه	شیره اربه
shirin-Jakoo	شیرین جکو	شیرین جکو
sheitoon	شیطون	شیطون
sahrai-Ekhterbadi	صحری اختر بادی	صحری اختر بادی
sedam Ham Nesh-esseh	سدام هم نشه = صبرام گرفته	سدام هم نشه = صبرام گرفته
Gel-Aou-Konok	گل اوگونگ = ظرافت کوک سی	گل اوگونگ = ظرافت کوک سی
Zaroori	زاروم = عمل ضروری	زاروم = عمل ضروری
zalal	زال	زال
Taghe-otagh	طاق (طاق)	طاق (طاق)
Tenaf	طناف	طناف
Adroos	عاروس	عاروس
Adroosi	عاروسی	عاروسی
ongar	آنگر	آنگر
shioon	شون	شون
Aroosi-Kerdan	اروسی کردن	اروسی کردن
Zan-osadeh	زن آسده = ازواج کرده	زن آسده = ازواج کرده

Sadekh	صانع = صانع
Shoordaval	سورده وال = دیوانه - سورده احوال = عریان احوال
Alaf-zerat	علف، ذرت
Alow	عند آتش
Alak-o-Rezok	علوک و رضوک
Por fand	پرفند = ناظرا - رند - زبل
Khesh mal	خشیال = خشیال
Yet-sam-ou	یشتی - مقدار از آب که در روز ۲۴ ساعت در شهر خاشاک
Shapasein	شاپسن = شاه پس
Ais	عیس
Aiseh	عیده
Ghessioon	غسیون
Ghaloon	غلون
Ghooloom	غولوم
Ghoolamsein	غولومسین
Ghooloom zo	غولومضو
Amnieh	امنیه = زانام
Gholchomagh	قل چان = هگل منو چان و زوین
Fat-kalok	فات، کلوک
Fadmeh	فادم
Fand dadan	فند دادن
Fosh-Ban-Kerdeh	فوش بن کرده
Foshe-Bi-ERzi	فوش بی ارزی
fad=pad	فد یا پد
Feriad-Midad	فریاد میدد
Feriadoon	فریادون
Fal	فال
Telagh-Bizar	طلاقی بزار

Figbok	سازد هنی که با پست سر که درخت بید باس و سبز کندم و جودیت	فیبوک
Kop-Kerdan	ریختن - بیرون ریختن	کپ کردن =
Ghal	لانه پرند - لانه کبک	قال
Ghal-ghal-Nakon	سر صدانگن	قال قال ندان
Ghalbe-Sang	قلعه سنگ	قالبه سنگ
Gham	صالحه و استوار	قام
Ghar-zangok	زنگنه کوی که برنجی که بار صدادان به کردن نرود و با او است	قرزنگ
Gharael-Khooneh	قراول خانه - سر باز خانه در بیان	قروول خونه
Ghezghezoo	نوعی حشوه بیابانی که صدای غرور می کند	قزقزو
Ghasbeh	لباس هندی از زمین به سمت است مخرج	قمبه
Ghotow	شنا کردن - غلط آب زدن	قطو
Ghatti	قترطی	قطی
Ghaleh	قلعه	قلعه
Esmael	اسماعیل	اسمال
Pishow	پیش آب - ادرار	پیشو
Abbase-Bak	عباس بیک - عباس بزرگ	عباس بک
Ghal	جوش آمدن آب	قل
Ghal-ghal	غلغل کردن آب جوش	قلقل
Ghalbil	غریبال	قلدیل
Ghalf	قفل	قلف
Ghalf-Martini	قفل آهن بزرگ دست ساز	قلف مار تینی
Ghombowz	لباب آب	قمبوز
Abbase-Bali	عباس ولی	عباس بلی
Ghootal Bazi	نوعی بازی با صوره شگفته سال و گوز	قوتول بازی
Ghowdeh	دسته ای علف یا خوراک گندم	قوده
Pam-Ghaal-Neshess	پامین قزقر با	پام در رفت
Ghibiz	قفیص - مقدار از ساحت زمین که درخت	قیبیز
Kal-Ebreim	کربلای ابراهیم	کل ابریم
Bamad	بابا محمد	بامد

Chaj	نوعی هینم کوهی که به غیر درخت دارد	قیج
Kar-baftan	کلمه یا حوره یا نوعی فرش بافتی	کار بافتن
Karom sero	کار و اسرا	کار مسرو
Kalgo	کالگو و فلج شدن بچه بر اثر سرخ مازی و عروق طاری در کتف بود	
Kaghaz	کاغذ	کاغذ
Kaftak	نوعی نان گرد و ضخیم	داغتی
Kako	برادر	کاکاو
Kaors	یک بیماری پوستی که خارش ایجاد میکند - کیم	کاوورس
Katch	صفتی بقلل چهار دیواری کوچک است و معمولا با طاق یا بلبل که از آن عبور کنند و در حال	کته دغالی
Kodaro	طرف شخصی نمی که در بالا می آید استند و برابر محل کود جیرانی به جز عیال و عیالت	کدرو
Korashi	بچه تنه	کراشی
Kordeh	کرت و زمین کشاورزی	کرده
Korsoon	نامی برای زنان (کلمه)	کرسون
Kappeh	کفه - مثلا کفه ترازو	کیم
Karkoo	حرفه بازی نارس	کرکو
Kerem-Sima	کرم دست و صورت باناک سیم	کرم سیم
Marreh	مهره	مهره
Kermit	کرمیت	کرمیت
Kareh-ou-bardan	لازمی راه آب با جوب بلند که به سر آن برده می آید	کره او بردن
Kareh-Khalaaj	بچه نر بزرگ ماده بود و کوچه	کره خلج
Kareh-ghowri	نوعی بچه گوسفند که زودتر از سایر گوسفندان آمد به آب	کره قوری
Kareh-gal	جایی که بچه گوسفندان - اغل	کره گل
Kafeh	کافه	کفه
Kerash-Nemikoneh	کراش نمیکنه - از زنی ندارد	
Kesh	چادر	کش
Kash-koodoo	نوعی غذا که همچون از کسک و کدو و پیچسته حلوانی بود	کش کودو
Kareh-Koalar	نوعی بچه بزرگ نسبت به بقیه کوچکتر بود	کره کوآلر

Kashk-o-Balk	نوعی بوبرانی مثل ماست و استخاج ولی با ریختن آب بر آن	کَشک و بَلک
Kani	فلاخن	کَنی
Ghiliz	آب کف آلود که از بدن گوسفند غش کرده باشد	قِلِیز
Kafro-Kafarimosh-Daromad	گُفر کافرینش در و مَدخل عصیان است	گُفر کافرینش در و مَدخل
Kafgir-Bareh	دستمالی مثل ساق کلاه که بر سر را می بندند	کَفگیر بره
Kal	کَله	کُل
Kal-Tarkideh	کَله ترکیده - نوعی کوبن با ریختن آب	کُل ترکیده
Kal-Chomagh	چاق بریز	کُل چماق
Kal-Khong	نوعی درخت کرختی	کُل خنگ
Kal-Khor	کَله خور - کجی کُشی میگویند که از کس حرف نمیزنند سر آدم را میخورند	کُل خور
Kal-Khordeh	کَله خورده - آنکه عمل جفت گیری کرده باشد	کُل خورده
Kalak	چوب درخت فیه ای که بر کمان می بندند و بر آبستی دیگر داران طناب و باران	کَلک
Kolombeh	نمک بزرگی از گل درخت دریا یا سنگ	کُلُمبه
Kelendoon	نوعی قتل چوبی که در سوراخ الوارز بزرگ در باغ نصب می کنند و بر آن از دست و پا می زنند	کِلندون
Kalom-Ghazi	قسمت کوچکی که می کشند و گفته که در آن قوه ای ریخته و در خاک ریخته اند	کَلوم غازی
Kaloomtar	کَلانتر	کَلوم تر
Koleh-Morgh	نعل نمداری مع ذوق در آب - لانه شبانه ملکبان	کَله مرغ
Kelias	دالان دایره ای که در کوه و رودی خانه بور	کَلیاس
Kom-Por-Kerdeh	کامه پور کرده	کَم پور کرده
Kom	کَم	کَم
Kam	نوعی غزال با سوراخ در پشت	کَم
Kompidoon	کامه ان - طرفی که در دار که خود را بر پشت آن می نشاند	کَمیدون
Kantoo	نوعی گیاه که دانه های روغن میدهد شبیه کرچک	کَنطو
Kantoei-shodeh	سمن و زهر می کشد و در آن ضرورن بوی درنگ	کَنطوی شده
Konji	اطفا قارص تو - اطفا که در آنکه را طفا	کَنجی
Kondeh-Dérakht	کنده درخت = تنه درخت بریده شده	کَنده درخت
Komach	کماج = نوعی گیاه خاکی	کماج

Kange-derakht	کانه درخت	کانه درخت
Koodoo	کودو	کودو
Koodoo-ghalooni	کودو و قیلونی	کودو و قیلونی
Koor-Do-Tokhme-chish-Besham	کور دو تخم پیش بشم	کور دو تخم پیش بشم
Kooloozak	کولوزک	کولوزک
Kooloozh	کولوق	کولوق
Koolookk	کولوک	کولوک
SorSorak	سر سرک	سر سرک
Kou-ghat tok	کوه قلذک	کوه قلذک
Kisseh-toton	کیسه توتون	کیسه توتون
Kili	کیلئ	کیلئ
Kili-Dasseh	کیلئ دسه	کیلئ دسه
Kilizok	کیلیزک	کیلیزک
Kilil	کیلیل	کیلیل
Garp	گارب	گارب
Galpes	گالفس	گالفس
Gambhi-Kerd	گام بی کرد	گام بی کرد
Gatwan	گاوان	گاوان
Gebre-jale-khar	گبر جال خر	گبر جال خر
Gabbeh	گبه	گبه
Gorop-Gorop	گروپ گروپ	گروپ گروپ
Gorjeh	گرجه	گرجه
Gerdow	گرداو	گرداو
Gordok	گوردک	گوردک
Gorgaloon	گورگون	گورگون
Garre-Mofangi	گرم فنگی	گرم فنگی
Geren	گرن	گرن
Khash-Delot	خاش دلت	خاش دلت

low	لب	لو
low-jogh	لب جوی آک	لو جوق
lootti-neshoondan	مطرب دعوت کرده اند	لو طای نشووندن
look	شیر بزرگ که جلور است در فک نظر است	لوک
lookah	شیخ جبار است از دانه پنبه از غوزک پنبه	لوکه
loom	تک ماده ای که وقت جفت گیری آن فراست	لوم
Masdoon	جعبه بزرگ چوبی که در بار و نقل و بار نهادن بسیار است	ماسدون
Moto Vazeh	Mashin-Taghtaghak موتور سیکلت	ماشین شوق شکی
Mejdi	مستراح - نکالت	متوزو
Majoomah	نوعی طوطی شیرین	مجدی
Moeh-Bazi	سینه گرد مسی	مچومه
Machched	نوعی بازی با چینه حج که گفته یا آهو - قایق بازی	مچبازی
Mocheh	مسجد	مچ
malei-Baghe	نوعی گیاه بیابانی که بار آتش استوار می شود	مچده
Makhteh	محل ای در غرب اصفه آباد که قدیم باغ یادگار	محلای باغ بالو
Modbakht	سوم - حقنه - نسیم شده اقصا در یافته بکسی	مخته
Abal	مطبخ - آشپزخانه	مدبخت
Merji	محفت ابوالقاسم یا ابوالفضل	مدول
Morchi	همان مخدای است به معنی طوطی شیرین	مرچی
Mandezma	مرد و شور	مرچی
Morghe-kalleh-Gondah	محل در یکی از کوچه های جنب اصفه آباد به معنی مردان	مرد از ما
Morghesh-Giraw	چندر	مرغ کله گنده
Morow-bardashit	نوعی بازی رسته چوبی	مرغ دنگیرو
MOROW	سر خلاص - سرری که در قیام توسط اربابان در بین (موراکفل) علما	مرغولومی
MOROWS	مردم کردن در اثر مجامع از هفتاد و هشت	مروید دوش
Gombak	مروید شید ترخنده در فرزند	مرو
Beda	موطن کردن وقت تلف کردن	مروس
Margam	معلق زدن در بازی بچه ها - گل و گیمیک	گمبک
	محل تراب ابرو به نام بدافت	نبد
	میرم	مرگم

Galogombak	معلق زدن یا کله معلق شدن چو در باری	گل و گند
Masse-khow	بست خواب - خواب سنگین	مَسْخو
Maskeh	کمره کدخد	مَسکده
Moshtelagh	مَشکات من از خضر فرج	مَشْتَلَق
Mossab	مَصْحاب - دست پر - یا در دست مخفیانه یک زن جوان	مَصَاب
Kel-taghi	کر بلاش اتقی	کر تل تقی
Maftow	مفتاب	مَفْتُو
Magaz	مگس	مَغْز
Melagh	ملخ	مَلَق
Malki	ملیک	مَلْکی
Mali-khar	ملت جبهوش جل الاع	مَلْیْخَر
Mompirdak	مهره ای سینه شک که بیشتر در جانی در طب و تان ز خانم است	مَمْپیرِک
Mammadagho	محمد آقا	مَمْدَاقو
Chapoon	چاپان	چاپون
Man-tar-Khan	محمد تفرخان	مَنْتَرخان
Mandagho	محمد آقا	مَنْدَاقو
Mandasan	محمد سن	مَنْدَسَن
Moreng	میرت گناه فراب	مُورِنْدَک
Mowreh	مورس حلق که گاه در جوار آب می ریزد	مُورِه
Moushke-Koor	مُشک کور	مُوشْک کور
Momo	ماما - مادر	مُومو
Bi-Boro-Bargard	بیرون خانه - حقیقی - خود را	بی بی بزرگ
Mohreh-koozeh-Endakhteh	مهره کوزه انداخته	مُهرِه کُوزِه انداخته
Mohreh-haf-chishok	مهره هاف چیشک	مُهرِه هاف چیشک
Mirzasan	میرزا سن	میرز سن
Tighat-Mizanam	تیغ و تراز	تیغ و تراز
Mioone-khooneh	میون خونه	میون خونه
Nadel-Geroon	نادل گرون	نادل گرون
Momocheh	مومو - زنی که زانو را با زانو	مُومو
Morghaoun	مورخاوی	مُورخاوون

Nazeme - Belat	آهونه محل	ناظم بِلَات
Naghalfaki	نکیر - بن خبر - از سر غفلت	ناقل فکی
Nagemoon	ناگمون	ناگمون
Namahroom - Shod	نامحروم شد	نامحروم شد
Nokhash-Moonand	نخاشمووند	نخاشمووند
Nekhod-ow	نخوداو	نخوداو
Nardouoon	نردوون	نردوون
Nerfin	نرفین	نرفین
Nezim	نیزم	نیزم
Nak-zadan	نک زدن	نک زدن
Noot	نوت	نوت
Nowdoon	نودون	نودون
Nani	نون تپ، تپی	نون تپ، تپی
Nimani	نون خور و شنگ، مار زنگو	نون خور و شنگ، مار زنگو
Hapir	نون گره	نون گره
Nashi	نهنی	نهنی
Hader	ندیمز	ندیمز
Har-Har	هاپیر نشی	هاپیر نشی
Har-Hardoon	هادر	هادر
Noomzat	هارهار	هارهار
Hababak	هار هاردون	هار هاردون
Hachin-nakon	نومزات	نومزات
Hazoo	هابابک	هابابک
Hasht	هچین نکن	هچین نکن
Na-Del-geroun	هدیسک	هدیسک
HZomi-Dar-Kerdan	هزو	هزو
	هشتاد	هشتاد
	نادل گرون	نادل گرون
	هیزی در کردن	هیزی در کردن

shahrare-chofti	شهر خفتی - شهر رو -
Mey	می - مگر
Persilin	پرسیلین - پنی سیلین
Kerash-Nimikoneh	کراش نیکونه - ازوش نیکونه
Hendessoon	هندسون - هندرسون
Tan-Tari	تن تری - تن تری
olmar	اولمار - آردار و فکدان
Rakhorok	راخوروک - خدای راکشوت
Bal-Nis	بال نیس - قبول نیست
Penjerok	پنجروک - وینچون
Reshk	رشک - رخ میس
Moodom-ke	مودوم که - مارام که
Sineh-Baram	سینه بزم - سینه ورم
Bachei-shirok	بچی شیکور - نوزاد
Barneh	بارنه - صدرا لکاد دایر
Tarakhoon	تراخون - تراخ - ساه و سح
Kal-Melaghi	کل ملاقی - کله معلق سدا
Shenderok	شندرک - لوس درنر
Jole-Bacheh	چل بچه - کونه نوزاد
Sinei-Mazar	سینه مزار - ویرستان
Kaleh	کله - ناقص
AReh-Kardan	آره کردان - کج کرد و جری
Alesh+	آلش - تهور و کورن
Pootoor	پوتور - مقدار ضعیف که

۲۷
 i) Boor-Boore-Delann-Shod = بورد بورد دلم درخت

Nebbe-ghei = نبت قی = فشار آمدن بخاطر استوائ

Aou-Shoom = اوزوم = آویشن

Soolah = سول = نان کویک و نازک که فروری پزد

Shootok = شوتوک = سوت کویک

Aiarah = عیاره = دستبند

Aou-Toe-Poososh-oftadeh = او توپوش افتاده کویک و آویشن

Gowr = گور = گور زرتشتی

let = لیت = لخته چیرا

Rossomo-Kanol = روشوموکنده = خندام کرد

Sessar = سسر = حریف و در دوردل بکار می آید راجه

Panjah-shahl = پنجاه شاهر = ۵۰ ریل

Sannar = سنار = (۵۰ ریل) ۵۰ ریل

Sharboonoo = سربوئو = شربانو

Khodbakhsh = خودبخش = خدا بخش

Dokonde-zanoos = دوکوندزانو = در روز انوشهر

Gheiz-Kardam = غیض کردان = عواکردان

Noon Takhtegi = نون تختگی = نون حلاوت خنده

Ais = عیس = عکی

Lileh = لیل = لیره

Dasoon-Dar-Naiar = داسون در نیار = ازبک نکی = در درخت کن

Tiart = تیارت = تیارت و نایار در آردن

Moorok = موروک = مورچه کویک

Rezei-Movalu = رزه (موی) = رضای محبت علی

Ham-siah	همسیه = هم
Henas-Henas	هنس هنس = نفس زنان در اثر خستگی
Hangaft	هنگفت = زیاده و بزرگ
How-Bio	هو بیو = بازی اگ لودک
Howehin	هو هین = رسیدن بار بار دارن خرس گنم
Houdoosk=Hodisk	هو دو سک = در می پرده لودک مثل لودک
Horok-o-Tizok	هورک و تیزوک = دو دودک زربک ابرکوه
Hourni	هورنی = حارونی
How How	هو هو = صدای بار
Heidi-Bio	هیدر بیا = زور بیا
Yallogh	یالوق = مگر که یک وقت نندازد دغ می ستاره
Yey-charak	یچرک = یک چیک = ۷۵۰ گم
Yey-Bar	یبار = یک بار از حیرت ۲۵۰ تا ۷۵۰ کید
Yey-Salhm	یسم = مقدار آب قند که ۲۴ ع - در زمین کسوت
Yey-Man-Kam-charak	یمن کم چرک = یک چاک کمتر از یک من
Yey-vagheh	یر وقه = وزنی باندازه ۸۰ مثقال
Ghermez Mikoneh	قرمز میکنه = سرخ می کنه - سرخ کردن غذا
Sowz	سوز = سوزند
Band-Nifeh	بند نیفه = بند نخ (محمی که بر انداختن سوار بر دوش گرفته)
Engarosh-Kan	انگاروش کن = زانویش کن
Shalaki	شالکی = ظرفی که در آن می خورند (خارج کردن علف از خوراک)
Goo-Bazi	گو بازی = تپ بازی
G hali-Dar-Kerdan	قالی دار کردن = نصب خار چوب دار قالی بر زمین

Aou-Bilighoon	او بیلیقون خوره = کسی بگوید که حرف میزنم از آنکه بدین
Sar-Telou	سر تلو = لبالب - سر
Kalar	کلر = چاق و درشت
Tolombi	تلمبی = تپه خاک کوچک
Jerat	جرات = جراحت - زخم چرکی
Douneh-Daghi	دونه داغی = غده کوچک سرطانی بدخیم
Nim-show	نیمشو = نصف شب - حدود ساعت ۱۲ شب
Heidi	هیدی = زوری - خوری
Halermeh	حلرمه = بهر قاره
Eghad	اقر = انقار - مقرر ازین
Adoon	آدون = آب بند جوهر آب
Asloubonok	آسلبونک = نوعی حشره
Edbar	ادبار = بر - ثلث - سر
Okomol	اکومول = می ثابت - میل درول
Aoudeh	اوده = معارضی نخ تاجیه شده از نخ رسی
Bal	گل = فقط - جا - محل
ousati	اوساتی = آن وقت - آن ساعت
Vagozar	والزار = لجام - لجام
Bar zadan	بوزدن = ورنه انشت پادشاه خورده بدین پادشاه
Baram	برم = گرم
Baram Baz	برم باز = سینه ورم
Bak	بک = خوربان
Bowz	بوز = درخت نارول
Pachal	پچال = کیفیت
Pech	پچ = له و زیر پا مانده و گداخته
Parrobal zadeh	پروبال زاده = نوعی فوس
Pas too	پاستو = اسباب

Pasaki
 Pas-Baroo
 Peshangeh
 Pendereghoi
 Tar-Kerdan
 Takh-Raftah
 Tokhm-o-Gorjeh
 Taraymoon
 Tak-o-Tokhar
 Jaz-e-Shotor
 Jarreh
 JenJengoo
 Jigidan
 Jigil-Pigow
 Chakhom-Khash
 Chambareh
 Chilok
 Horme-Del
 Horm
 Del-Bedeh
 Del-joon
 Dom-Tizaki
 Doodeh
 Do-Golock

پيسكى = رست ورو دار
 پس بارو = دارونه
 پشنگه = ترارش آب
 پندر قري = مقدار كم و چنه
 تار كردن = آب كشدن در سطر پاريدن
 تخ رفته = زير نيزين - يعني در تحت دره شوي رفته
 تخم و گريه = املت - تخم مرغ و گريه فزوني
 تر مويون = تر گيون - خراب
 تك و تگار = سر و پهلوي آرام
 جاز شتر = چهار شتر - پالان قشون شتر
 جره = نوبدان
 صفت جنگو = نوعي خار و يا ميوه آن خار
 جيليدان = وريدن
 جيليل بيلگ = بالار و پائين وريدن بچها
 چشم خاش = چشم روشن - چشم كوك
 چشمه چاه = حلقه گرد در چاه كه با خاك روي چاه است
 چيلوك = تكلو كوك و هيزم
 حرم دل = دلچوره
 حرم = حرارت
 دل بدو = آرمگون - دككن
 دل جون = پاكيزه - با حرمه بدو و خوش فكر
 دم تيزكي = لگد پرانند الاغ به راه دم تكان دادن
 دونه خستن = قبيح رفتن
 دو گولوك = دو زائده گدسي يا پوست اضافي زير گولوك رفته

Row	رو = ریش - ریش
Rood	رود = عزیز
Roodokom	رودکم = عزیزکم - عزیز کوچک من
Char-cheleng	چارچنگ = چهار دست و پا
sekal	سکال = شانه کوچک قطع شده درخت
shetalok	شیتالوک = شانه کوچک درخت که میوه دارد
Sange-salim	سنگ سلیم = سنگ سیاه و سفید - سنگ خارا
Soozanak	سوزنک = زهره سره - سینه کوچک
Sikli-o-Loghaz	سیخ و لغاز = گوشه و کنار و طحله زدن
shour	شور = مشورت
Shever	شور = شل و تن و کج
Farmoon	فرمون = پیشانی کوچک که استان و فلکی چای در آن میگذارد
Ghayom	قایم = خیلی قلم - هفت
Ghorombideh	قرمبیده = ترکیده در اثر توپ و بار کردن
Ghergher-Nakon	قرقر فلان = حرف زدن و سخن زدن
Kerker-Nakon	گیرگیر نکی = نق زدن
Kerkerok	گیرگیروک = تپه دایک - غدار تپه که شتر داشت
Koleh	کله = کهنه گاه - طکارچی
Komou	کمر = کمر
Kandali	کندلی = زین مردان که پا بر دست و پا بالا بود
Mandali	مندلی = حور علی
Jabeh-Aamaz	جبه آماز = گرامافون
Kendelok	کندلک = قصبه هیزم که گرداغت و به دست میگیرند

Gorgaf

گراف - جمله کردن

Goram-goram = گرام گرام = صبا خنک و قریب مثل صبا خنک و دهل و قمار

Gorneh

گرنه = گلونه

Geyreh

گیره = گریه

Lake-Takht

لب تحفه = لب تاب

Lokkeh-Raftan

لکه رفتی = بزرگ رفتی آب را لاغ

Makhmareh

مخماره = مقبره

Modbar

مدبر = افشار الاغ

Mordooneh

موردونه = موردانه

MokoloK

مکولوک = ترک - برآمدگی کوچک در چینی

Nachagh

ناچاق = ناجور - نامناسب

NoKhashMoondan

نوخاش مونان = بد قراره - شربت

Naali

نالی = دگف بلند و بزرگ با خرابی

NAKKor

نکر = حکم گاز زدن چینی

Namai

نمی = نمک

Hashbar

هشبار = آشغال خشک

Hachin

هچین = این چینی - انتظار

Farsagh

فرساق = فرسخ - فاصله و گلوله

Ferakh

فراح = تشار

Doalcheh

دولچه = ظرف آب که از چینی پخت و سفید بود

Badasl

بد اصل = بد - بریده - بدتر از

Sag-o-darvish = سگ و درویش = سگ و درویش که به دوزخ که رگش بکشد و بکشد

و با دهنش بکشد و بکشد

Sarekh

سارخ = قنداق نوزاد

Band-enderkhtan

بند انداختن = نوعی آرایش زنانه

Arakh

آرخ = عرق

Bade-fahmeh

باد فاهمه = باد که در دماغ و بینی نوزاد می چرخد و باعث آزارش می شود

Damagh

دماغ = بینی

olalam

اولالم = خدامیدانده - حمل کلمه الله اعلم است

olalam-key-midd

اولالم کی میار = خدامیدانده که چه وقت میاید - یعنی چه وقت میاید

Nowroozi-shodeh

نوروزی شده = نوعی ریاض برای زیاد خوردن خوراکی در ایام عید نوروز

Nowroozok

نوروزک گرفته = استخران خنجر گرفته که در وقت گشتی گرفته در گون آن پیاپی شود

seKongjelok

سه کونجلاک = گوشه اطاق - گنج و زانو

Sook

سوک اطاق = گوشه اطاق

Dasmale-sar

دسمال سر = یارچه برپایی مشکلی بلند که زنان بپوشند

KoLopPeh

کلپیم = اولین جانی از قنات که آب آن در زمین مسطح جاریست

Kowk

کوک = کلب

Gal-Dan-Bogir

گل دهن بگریه = کلمه صبر کن

Esghareh

اسفاره = استخاره

BarZamin

بار زمین = هیچ

Lash-Kerdan

لاش کردن = آوردن نمی خرنه یا هندوانه از خرنه به منزل

Ras-Rasi

راس راسی = حقیقتاً - واقعاً

Nim-Sowz

نیم سوز = رنگ سبز کم رنگ و کمزیر

Goli

گلی = رنگ قرمز

Teriak'i

تریانی = رنگ قهوه ای

گل او گوشتی = گل سفید از نوع رز - رز سفید Gole-AougashTi

او گوشت کله = انگور کله یا چه گوشت Aougashite-Kelleh

گنگ = نوعی شیر که در مرغوب و دارا درخت میوه است Gang

خار و شبای = خارشتر که تنهار تیز دارد و نه کینه رنگ Khare-Daashabi

یک حلالی = دستگیره سنگین چوبی که بر این پشته زدن و علامت زدن می زند c Hake-Hallaji

چر کور = چرکی - ناپاک CherKoor

گل پاک کن = داروی نظافت حمام - واهی Gol-Pak-Kon

پلوار = پرواز - گوشتی که خوب بگذاشت و چاق است Palvar

مازه = ماهیچه چسبیده به راسته گوشت گرفته Mazeh

دس مرزو = حبه یا سبزه - دستان در رنگته Das Marizo

قدم مرزو = خورش آلوده - خورش قدیم با شیرین تر است Ghadam Marizo

لو پیچک = دور چینی یا خردل - پیچ دباب Tow Pichok

تو پیچ بکهور = دور بزرگ Tow Pich Bokhor

جو کردن = بیاوردن - بیاوردن خردل - مریضی که ضعیف باشد غذا را جو کند Jo Kerdan

خل بند = کیف پارچه ای عسکه که داخل آن داروهای دیگر می گذارند Tol-Band

چاچو = چادر شب Chachow

سلیمونی = سنگ قیمتی نازکی که بکار آید که زینت به گوشه ها می کنند Seleimooni

سلطون حریر = پارچه حریر و نرم Soltoon Harir

گل مخمل = گل خرم و رنگی که برگ های ضعیف نرم باشد مثل گل مخمل Gole-Makhmal (۲۴ زنانه هم می باشد)

Sezato-Midam سزاتو میدام = جواب بپروایت را میدهم - میرانم نالت چنانکم

Joosh-zadan جووش زدن = سینه زدن دست چپ در صبح زود روز عاشورا

Hababak حبابک = روزه کشیدن

Daro-Dolbos درو دولبوس = درب نزل و اطاعت

Khoosheh-Raftan خوشه رفتن = جمع کردن خوشه ها را بپایان بردن

Soozani سوزانی = یک چراغی مستقلی علی ایضا پرتو که اگر از در قریب می آید

Shirdeon شیردون = شایع

Bonye-Sobh بونگ صبح = صبح زود

Soolah-Alom سوله علم = نانی که از آرد انداخته شده و پختنی آراگام

Pazan پازان = بزرگوار - عطا گوهر

Telch تیلخ = دام - تله

Shekal شیکال = عقال

Pish-gir پیش گیر = حمله تمام زمانه

Zahre-Har زهره مار = نوعی زهرین یا قوی و کشنده

Dandooneh داندون = اجاق سالانه نیز به معنی سال و سالها

Ye-i-Sang یی سنگ = یک سنگ - زهرنی دندان آکیر

Ye-i-man-shah یی من شاه = کیس من شاه - زهرنی - سال و کیلو

Ye-i-man-Tabriz یی من تبریز = کیس بزرگ آکیر

Hefdah-Basi هفده بسی = واحد وزن بزرگ و قدیم که بیشتر به اندازه گندم که هر دو یک است ۱۵ مثقال و یک مثقال

Shoomza-Basi شومزه بسی = واحد وزن بزرگ و قدیم که هر دو یک است ۱۵ مثقال و یک مثقال

مکشته او انداختی = دردم که است نبود ظرف مس که می
Tashteh-Aou-Endakhtan

بود که در میان آب بود و در میان آب بود
و نمایی که ظرف را از آب میزد و به طاعت میبرد
برای آب میزد و نمایی که ظرف را از آب میزد و به طاعت میبرد
یابی مکشته = زمانی بود که ظرف مس که یک سو از آن را از آب میزد و به طاعت میبرد
Yei-Tashteh

در شام و در شب بان - ماسر آب را میزد و به طاعت میبرد
Dashtadoun

کورماس = ماستی که در خنک نگه داشتند و نسبتاً شل بود
Amokh Teh - Shodeh

بجای خان آقو = یک نوع سبزی که با نمک و روغن میزدند
Pich-Khanom-Agho

حاجی = حاجی آقا که به هر درستی با نمک و روغن میزدند
tamji

خورت = نوعی خورجین که در آن گوشت میزدند و با نان میزدند
Khaoreh

تیر جم = شش تیران را که تیرش به صورت به خطا میزدند و به نمک میزدند
Tir-Jam

خینس بگم = نام زنانه - شیر آب و بگم
Kheines-Bagom

رشکان شاده = به الاغ می گفتند که با فریاد میزدند و به نمک میزدند
Rishkan-Shodeh

روم واشاد = خوابت کشید
Room Washad

روگیر = به زنی می گفتند که به بوی را خنک میزدند
Roogir

روگیر = آمدن کردن به کاری به شروع به رفتن
Rowgir

روگیر واشاده = هنوز شروع به رفتن نکرده است
Rowgir-Washodeh

Khabarbarok	خبر بزرگ = قاصدک
Souzanok	سوزنک = سخنانک نام حشره است
Showparok	شوچرک = شاهچرک = نام حشره است
Pakar	پاکر = ناراحت - غمگین
Tooham	توهم = ناراحت - غمگین - خاموشی واکت
Korok	کورک = کج کردن مرغ
Shelaghoon	سلاگون = شل و دل زیاد
Halam-Hooshoor	حلم حوشر = و حوشر و حوشر - ارضاع بهم ریخته و باستان
Shoor-Ba-shoor	شو با شو = لباس پیرامی بسته شده (دست زخم)
ShoorBo	شو بو = آتش یا سوپ بهار
Zamharir	زمهریر = خار بیدار سرد و خنجران
Sarolaten-Bashoh	سرد تن باشت و عاشقیت با شیه - بکینه از تمام بیرون آمدن
Tighe-Khod-Torash	تیغ خود تراش = تیغ مکنیده - تیغ اصداغ و تیغ تراشیدن
Sejelt	سجالت = سبیل - شتار تمام
Sarude-Sejelt	سوار سجت = روزگرت و یکی شتار تمام
Rah-Rauni	راه راونی = در حال آمدن پیاده - روانه راه بودن
Keramand-nist	کرماند نیست = ارزش ندارد
Seichei-shomo-Kam-Nashoh	سپه شوکم نش = سپه ها گناه نکرد
Sintal	سینتال = دین - سینی بیضی شکل
Shallo	شالو = ازش و اله
AJameroh	اچامره = منظور دعوا کردن و نا اقل و بدین گونه
Sang-saukaki	سنگ سواکی = محلی قدیمی در دکنی است که سنگ بزرگ و درختانی بود و آنجا حرم دارد که ابرو می کشیدند (جنس بزرگ و ابرو)

Hakim-bashi

حکیم باشی = نام طبیب (دکتر)

Molla-Raftan

ملا رفتن = مدرسه رفتن (دکتر)

Goy-Zaboon

گوی زبون = زبان بسته - خنک حرف شنیدن زبان نشان

Charband

چاربند = لنگ خاربه

Kelagh-Noshin

کلاغ نشین = آفرین همه کز پایش زمین قوت کمر

Moftaki

مفتکی = رانگان - جاجا

chowshi

چوشی = چادر کش کردن یا زدن یا کشیدن بر روی پاشنه

Omrodoon -

ziat

عمروذن زیات = طایفه شاهان اصفهانی

si-shaei

سی شایی = پول همه از سره ارباب

Namaz-Kerdan

نماز کردن = نماز خواندن

Kool-Kerdan

کول کردن = روزی کردن یا زدن یا کشیدن

Charbe-shirin

چرب شیرین = دهن نان شیرین خورد

Sarkoon-Kerdane-shalgham

سارگون کردن شلغم = سرودن شلغم را

nili

نیل = رنگ کمر شیرین بوقی یا بونگ آب و قند

Zarde-Poos-Anaei

زرد پوش آناهی = رنگ زرد خردلی

Zarde-Jashiri

زرد جاشیری = رنگ زرد سیاه بکری - مغز چای

Soosani

سوسانی = رنگ صورتی پر زرد و سیاه

Onnabi

ونابی = رنگ قرمز جگری یا شرابی

Soarmeh-ei

سورمه ای = رنگ نقاشی

Nokhodi

نخودی = رنگ کرم یا بکر

Gambao

گامبو = چاق و شکو

Gombal

گومبال = گره ابرو درشت یا چشم دراز که معمولاً از طرف قرار دارد

Joom

جوم = جام آب - یا چ آب از جنس و دریا است

Nakhosh

ناخوش = مریض - بیمار

Nafas-Tang-heshtan

نفس تنگ شدن = نفس تنگی گرفتن

Bel-shodan

بل شدن = ولو شدن

Babor - داروی قوی برابر در میان بیست با فلوس دیگر هندی - باهتر

Ardeh-Koor

ارده کور - تارده بدون شیره و کمی گس - ارده خالص

Door-Nema

دور نما = منظره

Gew-Mah-Pishoni گوماه پیشونی = گاو و ماه پیشانی - مشخص که حیوان را چه آب است

Tiar-Dar - تیار در آوردن = مسخره بازی در کار کردن - تیار دارن چیز مزه

-Aourdan

سر را برگردان - نظام وظیفه عمری -

Sarbaz-giri

گیا = نوعی گیاه رعلق که در خاک الیاف است

Koma

رواس = در بواس

Roasseh

کلادس - گرفتن

Kelaus

سیف در آب = رو در جام

Sifidab

قلیای نمک = چغندر بسیار شور

ghelia-Namak

ghelia - قلیا = سنگ معدنی که از نظر شیمیائی سود و سودا گوشت را در استخوان صابون بکشد و در

Kaseh-Kouzeh-ei - گاسه کوزه ای = مشخص که ظرف سفالی و گاشی می خورد

Zir-Baghali

زیر بغلی = ضرب یا تمسک

Kouarzh

کوارز = سفال شکسته و خرد شده

Nim-Taneh

نیم تنه = کت یا باله - بالادین

Safandar-Pa

سرافندریا = سراسر - سرفا

Dilom-Migoosheh

دلوم جوش = محله دارم - دلجوش دارم - گرانم

Kasseh-Zanoo

کاسه زانو = قاب زانو

Bijan

بیجن = بیجن - نام مردانه

Bijeh

بیجه = نشاء درخت و بوته - ویره

Siradou

سیراو = سیراب شدن زمین

Siravari-Nadareh

سیراوری ندره = هجرت بخیر سیرانده

Takht-Keish

تخت کیش = کلمه تخت گنبد است میگویند یا کشته نشوده

Pana-Bar-Khoda

پانا بار خدا = به خدا پناه ببرم

Show-Band

شو بند = قفل پشت در که شرب میبندند

Show-Jol

شو جول = لباس کهنه یا پلاستی که در واقع دشمنی است

AKhor

آخور = آخور الاغ یا اسب

Torbeh

توربه = توره کاه یا میخی و یک پیر الاغ و گوسفندان و...

Tir-Kashid

تیر کشید = شیدا (در گرفت)

Kas-Kaloon-Pingala

کاس کالون پینگالا = نوزی یا نری بچه ها

Koor-Show

کور شو = چشمه است را ببند - دستور در خانه باری

Sar-Mashgh

سار ماشغ - اولین فطری که مسلم بالا رفتن و شریعت را میگویند

Aou-dooZok

او دوزک = حشره ارسینام آید زک که نمیدانم با صانع میگردانم (میدانم)

YooZok

یوزک = یوز پلنگ

Sheirelloh

شیر الله = شکر الله

Shenderok	شندرک = لاس و نر و مسخره
Pileng	پیلنگ = دستک و بسته کوچک یا چوبه که در داخل آن دار و پیر را می‌بندند
Shoofer	شوفر = راننده
Gazayel	گزاریل = گاز و قیل
Khanjar-Dandoon	خنجر دندون = دانه‌ها یا تیز و درخت
Hendoonake	هندوناکه = هندوانه یا کوبک در رنگه در کماله می‌بندند
Torshi	تورشی = در داخل کوزه‌ها یا در کماله می‌بندند
Pir-shi	پیرشی = پیرشوری - یعنی خضای و طولانی می‌بندند
Hader-Boon	هادر بون = مخاطب و کربان
Panj-Dari	پنج دریا = اطلاق بر کسی که در پنج محل هم دارد
Dava-goli	دوا گلی = دگرگرم و محلی از یه سنگات یا سیم برایش می‌زنند و غم را می‌برد
Ketr	کتر = کتر
Dare-Sari	در ساری = درب اولی از ساری یا در آفریل از داخل (در قیاس خانه تریزنگ چنده درب داشته)
Konji	کنجی = اطلاق آفریل و پس تو - انبار
Gashaddam	گاشادم = صیحه
Kerm-Soo	کرم سو = گوشتی که پخته و کرم زده است و در باغ می‌زنند و اگر پخته را ف رفته کرم در می‌زنند از زیر پشته می‌زنند
Kabab-Shami	کباب شامی - کتلت
Nabarreh	نبارره یا نوره = فراد درون مینه و عروه کشیدن
Kharej	خارج = کثرت خارج از ابرار

(۴۱)

Taz Kereh

Ghompoz

Poz-Dadan

Ghad

Machine-Bari

Machine-Savari

Tank

Tank

Mah-Gerefteh

Khorshid-Gerefteh

Ghafalet

Yaroo-Mesle-Mah-Gerefteh-Boad

Sarhad-Garmesir-Kerdan

Sowdeh-Mameleh

Zeh-Kerdan

Poole-Nozooli

Naz-Balesht

Bakht

Zamin-Larzesht

Kelf

Sadeh

ToKhmeH-Sheitoonok

تذکره = گزیده نامه یا یادداشت

قیپوز = مخزن یا قنداق فرخستن

پوز دادان = افاده فرخستن و قدر دادن

قادر = قامت و هیکل انسان

ماشین باری = کامیون

ماشین سواری = اتومبیل

تانک = کامیون نفت کش

تانک = پمپ بنزین

ماه گرفته = خنوف شده

خورشید گرفته = کمبود شده

قافله = کاروان

یاروشل ماه گرفته بود = قتل غلجین و یاروشل بود

سرهادر گرسه کردن = کوچ کردن

سوره مانند = معامله و در را کردن

زده کردن = نشست کردن آب

پیل نزل = پیل را خردن

ناز بایست = باطل کردن و زخم

نجات = اقبال و نجات

زمین لرزش و زلزله

کلفه = کلاف نخ و کلاه

ساده = ساده لوح - خنجه

خنجه شیطانی = خنجه آفتابگردان

Gorneh-Bad

گرنه باد = گردباد

Gorneh-Reshoon

گرنه رسبون = گلرله پیچیده شده از نخ

Hakal-Kerdan

حال کردن = بستن دست و پا در حال خوابیدن که بلند نشود

Tir

تیر = قهر در بازی

Lar

لر = ضعیف در بازی

Olloh

او لور = بد آمدن قاپ در بازی - به شستن پا

Doorum-Shad

دوروم شد = دیر شد

Zardion

زردیون = سره در دست زرد رنگ محال که با بزرگتر است تان

Chish-Napak

چیش ناپاک = نامحرم = نگاه کردن با منظور بد

Ghooreh-chesh-Kerdan

قره چشم کردن = (مطالع) یعنی ضیافت دادن

Sabte-Nalm

سبته نام = نام نوری در سر

Soorat-Bardari

صورت برداری = نوشتن لیستی از اشیاء و شماره بزرگ

Soorat-Kashi

صورت کاشی = پوره نالی نقاشی (در صورت شماره بزرگ)

Kal-Hendeone

کل هندونه = نصفه کامل صندل بریده

Fersid

فرسید = فرستاد

Yad-Kerdan

یاد کردن = کسی را بعد از کردن بمانی

Tarif-Kasi

تاریف کاسی = در مورد کسی چیزی صحبت کردن

Ra-Kerdan

Kar-o-Bar

کار و بار = اوضاع و احوال زندگی

Seragh-Gereftan

سراغ گرفتن = آریس و احوال کسی را سوال کردن

(اما احوال شخصی) بخواهش

فرهنگ واژه در محلی اسفند آباد

Draft copy (جله اول)

Cellphone: (+98) 912-195 3714 تهران - تلفن

Home: (+98) 21-7793 6899

E-mail: magham27@yahoo.com

www.Estandabad.org

تقدیم به روان‌پزشک و پرستار مرحوم ایرج سرافزانی و آیدین سرافزانی (دو پسر خاله مهریام)
که در تهیه این مجموعه بجهن خیلی کمک کردند.

مهدی آقا مهری

۱۳۹۰/۳/۱

www.Estandabad.org